ولادت حضرت
حجة بن الحسن العسکری
صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه

ابراهیم امینی



بسم الله الرحمن الرحیم

ولادت حضرت حجة بن الحسن العسکری صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

ابراهیم امینی

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ولادت حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مشخصات کتاب

نوع: مقاله
پدیدآور: امینی، ابراهیم۱۳۰۴-
عنوان و شرح مسئولیت: ولادت حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری صاحب الزمان [منبع الکترونیکی] / ابراهیم امینی
توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۹ بایگانی: 50.9KB)
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم
تولد

ولادت حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری

پیشوای دوازدهم شیعیان جهان، حضرت مهدی، صاحب الزمان- ارواحنا فداه- در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری، از صلب امامان بزرگوار و معصوم و از دامان مادری گرانقدر به نام نرجس دیده به جهان گشودند و عالم را به نور قدوم خویش منور کردند.نام و کنیه آن حضرت، نام و کنیه رسول خدا، حضرت ابوالقاسم، محمد (ص) است و از القاب مبارکشان، مهدی، بقیهٔ الله، خلف صالح، حجت، قائم و منتظر می‌باشد.مادر آن حضرت، کنیزی رومی بود که به اسارت درآمده بود.ایشان توسط امام هادی (ع) خریداری شدند و به بیت امامت راه یافتند.در کیفیت ازدواج آن بانوی مطهره با حضرت امام حسن عسکری (ع) در روایات شیعه از زبان شخصی به نامبشر بن سلیمان که از شیعیان امام هادی و امام عسکری (علیهماالسلام) به شمار می‌رفت، چنین آمده است: خادم امام علی النقی (ع) که کافور نام داشت، نزد من آمد و از طرف آن حضرت مرا طلبید.چون نزد امام رفتم، حضرت فرمودند: تو از فرزندان انصار هستی (بشر بن سلیمان از نوادگان ابو ایوب انصاری، صحابی رسول خدا (ص) بود) و ولایت و محبت ما اهل بیت، از زمان رسول خدا تا به حال در میان شما بوده است و همواره به شما اعتماد داشته‌ایم.من تو را به فضیلتی مشرف می‌گردانم که به وسیله آن، بر سایر شیعیان برتری یابی و با تو از اسرار دیگری خواهم گفت و تو را برای خرید کنیزی خواهم فرستاد. سپس حضرت نامه‌ای به خط رومی نوشتند و آن را مهر نمودند و به همراه کیسه‌ای که در آن ۲۲۰ سکه بود به من دادند و فرمودند: این نامه و کیسه زر را بگیر و به طرف بغداد حرکت کن و بر سر جسر (پل) بغداد حاضر شو، وقتی کشتیهای اسرا به ساحل رسید، کنیزانی را در آن کشتیها خواهی دید که مشتریان، برای خرید آنها اجتماع کرده‌اند.تو از دور مراقب برده‌فروشی که عمرو بن زید نام دارد باش.او کنیزی را به مشتریان نشان خواهد داد که این اوصاف را دارد (و صفاتش را برای بشر بن سلیمان ذکر فرمودند).آن کنیز مانع نگاه کردن و دست زدن مشتریان به خودش خواهد شد و به زبان رومی سخنی خواهد گفت که معنایش این است: ای وای که پرده عفتم دریده شد! او مشتریان خود را رد می‌کند تا آنجا که صاحبش به او خواهد گفت: من در مورد تو چه کنم که به هیچ یک از مشتریان راضی نمی‌شوی و چاره‌ای هم جز فروختن تو ندارم؟ و کنیزک خواهد گفت: عجله نکن! در این هنگام، تو نزد صاحب کنیز برو و نامه را به کنیز بده و اگر راضی شد، او را خریداری کن! (بشربن سلیمان گوید:) من به بغداد رفتم و تمام وقایع، به همان ترتیبی که امام فرموده بودند اتفاق افتاد.کنیز نامه مرا خواند و بسیار گریست و صاحبش را سوگند داد که او را به من بفروشد و تهدید کرد که در غیر این صورت خود را خواهد کشت.من او را از صاحبش خریدم و کنیز با خوشحالی تمام با من به حجره‌ای که در بغداد گرفته بودم آمد.او نامه امام را می‌بوسید و بر بدن خود می‌مالید.من به او گفتم: نامه‌ای را که صاحبش را نمی‌شناسی، چگونه می‌بویی و به خود می‌مالی؟ او گفت: تو نسبت به مقام فرزندان و اوصیای پیامبران عاجز و کم‌معرفتی! گوش

کن تا احوالم را برایت شرح دهم: من ملیکه دختر قیصر روم هستم و مادرم از نوادگان وصی حضرت عیسی، یعنی شمعون الصفا است.سیزده ساله بودم که پدرم خواست مرا به عقد پسر برادر خود درآورد.بدین منظور مجلسی آراست و تختی مرصع و جواهرنشان تهیه کرد، صلیبها را بر فراز بلندیها قرار دادند و بزرگان و امرای لشکر و کشیشان را دعوت کردند.پسر عمویم بر تخت نشست و آماده مراسم شد.همین که کشیشان انجیلها را گشودند تا مراسم را آغاز کنند، زمین لرزید و صلیبها از بلندیها افتادند، پایه‌های تخت ویران شد و پسر عمویم بیهوش بر زمین افتاد.کشیشها این حادثه را به فال بد گرفتند و به پدرم گفتند: این اتفاق دلیلی است بر اینکه دین مسیح بزودی زایل خواهد شد، ما را از انجام این کار معاف کن! اما پدرم که گمان می‌کرد این واقعه از نحوست پسر عمویم بوده است، دستور داد دوباره مجلس را آراستند و خواست مرا به عقد برادر آن پسر عمویم درآورد، ولی باز همان حادثه عجیب اتفاق افتاد.کسی سر این واقعه را نمی‌فهمید.شب هنگام به بستر رفتم و خوابیدم.در عالم رؤیا دیدم حضرت مسیح و وصی آن حضرت (شمعون الصفا) و عده‌ای از حواریون در کاخ جمع شده‌اند و منبری از نور که به طرف آسمان بلند بود نصب کرده‌اند.سپس رسول خدا، حضرت محمد (ص) با وصی و دامادش علی بن ابی‌طالب (ع) و جمعی از امامان و فرزندان بزرگوارش به قصر آمدند.در این هنگام، حضرت مسیح به استقبال خاتم الأنبیاء (ص) شتافت و دستهایش را بر گردن آن حضرت انداخت.رسول خدا (ص) فرمود: یا روح الله! ما آمده‌ایم که ملیکه فرزند وصی شمعون را برای این فرزند خواستگاری کنیم.و به فرزند صاحب این نامه، یعنی امام حسن عسکری (ع) اشاره کردند.حضرت مسیح (ع) به شمعون فرمود: فرزند خود را به ازدواج آل محمد درآور که شرف هر دو جهان به تو روی آورده است! پس شمعون رضایت داد.همه بر آن منبر بالا رفتند و رسول خدا (ص) خطبه‌ای خواند و با حضرت مسیح (ع) مرا به عقد حسن عسکری درآوردند و رسول خدا و حواریون بر این ازدواج گواهی دادند.سپس از خواب بیدار شدم.پس از بیداری، از ترس جانم، این خواب را مخفی کردم و از شدت علاقه‌ای که نسبت به حسن عسکری (ع) داشتم - و هر روز نیز بیشتر می‌شد - نسبت به خوردن و آشامیدن بی‌میل شدم و هر روز لاغرتر می‌شدم و طبیبان نمی‌توانستند مرا مداوا کنند.پدرم که از معالجه من ناامید شده بود، به من گفت: دخترم! آیا آرزویی داری تا در این دنیا آن را برآورده سازم؟ من گفتم: اگر اسرای مسلمان را آزاد کنی، شاید حضرت مسیح و مادرش مرا شفا دهند! پدرم به خواسته من عمل کرد و گروهی از اسرای مسلمان را آزاد کرد.من نیز اندکی به غذا تمایل نشان دادم.این سبب شد پدرم خوشحال شود و از آن به بعد نسبت به بقیه اسرای مسلمان خوشرفتاری کرد.پس از چهارده شب، در خواب دیدم که فاطمه زهرا (س) به دیدن من آمده‌اند، در حالی که حضرت مریم با هزار کنیز از حوریان بهشت در خدمتش بودند.حضرت مریم به من فرمود: این زن، بهترین زنان و مادر شوهر تو امام حسن عسکری است.من در خواب گریستم و گفتم: فرزندت به من جفا می‌کند و به دیدنم نمی‌آید! فاطمه زهرا فرمود: چگونه فرزندم به دیدنت بیاید در حالی که تو برای خدا شریک قرار داده‌ای و به مذهب مسیح گرایش داری، ولی مریم، دختر عمران از دین تو به سوی خدا بیزاری می‌جوید! اگر می‌خواهی حق تعالی و مریم از تو خشنود شوند و فرزندم به دیدارت بیاید، بگو: أشهد أن لا إله الا الله و أن محمدا رسول الله! من در خواب، این دو جمله را گفتم.آنگاه فاطمه زهرا (ص) مرا به سینه خود چسبانید و دلداری داد و فرمود: اکنون منتظر دیدار فرزندم باش! من او را به سوی تو خواهم فرستاد.بعد از آن واقعه، آن حضرت هر شب در عالم خواب به دیدارم می‌آمدند.شبی در عالم خواب به من فرمودند: در فلان روز، جدت لشکری به جنگ مسلمانان خواهد فرستاد.تو خود را پنهانی در میان کنیزان و خدمتکاران داخل کن و از فلان راه برو و با لشکر همراه شو! من این کار را کردم و همراه لشکر به راه افتادم و در جنگ به اسارت مسلمانان درآمدم.(بشربن سلیمان گوید:) من از آن کنیز پرسیدم: تو که اهل روم هستی، چطور به زبان عربی صحبت می‌کنی؟ او پاسخ داد: جدم به من بسیار علاقه داشت و به زنی که به زبان عربی آشنایی کامل داشت، دستور داده بود که هر صبح و شب به من عربی بیاموزد و من توانستم عربی را کاملا فرا گیرم.بشربن سلمان، ملیکه را خدمت امام علی النقی (ع) برد.حضرت هادی (ع) به او فرمود: - حق، سبحانه و تعالی، چگونه عزت اسلام و مذلت دین

نصاری و شرف محمد و اولادش را به تو نشان داد؟ - یابن رسول الله! چیزی را که شما بهتر می‌دانید، چگونه بیان کنم؟ - می‌خواهم تو را گرامی بدارم.از این دو چیز، کدام را می‌خواهی: ده هزار دینار به تو بدهم یا تو را به شرف ابدی بشارت بدهم؟ - من شرف ابدی را می‌خواهم، نه مال را.- پس بشارت باد تو را به فرزندی که پادشاه مشرق و مغرب عالم شود و زمین را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده است، مملو از عدل و داد کند! - پدر این فرزند چه کسی خواهد بود؟ - همان کسی که رسول خدا برایت خواستگاری کرد.حضرت مسیح و وصی او تو را به عقد چه کسی درآوردند؟ - به عقد فرزندت (امام) حسن عسکری.- آیا او را می‌شناسی؟ - از آن شبی که به دست بهترین زنان (فاطمه زهرا سلام‌الله علیهما)، مسلمان شده‌ام، هر شب به دیدارم می‌آید.آنگاه امام هادی (ع) خواهرشان حکیمه خاتون را طلبیدند و نرجس را به او معرفی نمودند و به او دستور دادند واجبات و سنتهای اسلام را به او بیاموزد.بی‌گمان این افتخار برای نرجس خاتون، از آن جهت بود که ایشان حتی در دربار روم پاک می‌زیستند و مقام انسانی خود را به رذایل دنیوی نیالوده بودند و چگونگی راه یافتن آن بانوی مطهره به خانه وحی و امامت، از مصادیق بارز کلام حق تعالی است که می‌فرماید: و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه إن الله بالغ أمره قد جعل الله لکل شیء قدرا: هر کس نسبت به خداوند تقوی و پرهیزکاری پیشه کند، خداوند برای او راه گریزی در مشکلات قرار خواهد داد و از جایی که او گمانش را نمی‌کند به او روزی خواهد داد و هر کس فقط بر خدا توکل کند، او برایش کافی است.بدرستی که خداوند امرش را به انجام می‌رساند.او برای هر چیزی اندازه و مقدار مشخصی قرار داده است.(سوره طلاق، آیه ۲) در سال ۲۵۴ هجری قمری، امام هادی (ع) به شهادت رسیدند و امام حسن عسکری (ع) سرپرستی شیعه را به عهده گرفتند.عمه آن حضرت، حکیمه خاتون، همواره در خدمت ایشان و همسر گرامیش (نرجس خاتون) بودند تا آنکه شبی امام عسکری (ع) به حکیمه فرمودند: عمه! امشب نزد ما باش که فرزندی متولد خواهد شد که خداوند به وسیله او زمین مرده را با علم و ایمان و هدایت زنده می‌کند.حکیمه عرض کرد: فرزند از چه کسی متولد می‌شود؟ من که در نرجس اثر حمل نمی‌بینم! امام فرمودند: از نرجس متولد می‌شود، نه از دیگری.و فرمودند: هنگام صبح، اثر حمل بر او آشکار خواهد شد.مثل او، مثل مادر موسی است که تا هنگام ولادت، اثر حمل بر او آشکار نبود و احدی از حمل او اطلاع نداشت، زیرا فرعون، شکم زنان حامله را می‌شکافت تا موسی را بیابد.این فرزند نیز از این جهت شبیه موسی است.خلفای عباسی که می‌دانستند دوازدهمین جانشین رسول خدا (ص)، قائم به حق و نابودکننده بساط ظالمان خواهد بود، به وسیله جاسوسان درصدد کسب خبر بودند و همواره مترصد اینکه هر گاه فرزندی از امام عسکری (ع) به دنیا آمد، او را به قتل برسانند.از این رو اراده قادر حکیم بر این تعلق گرفت که ولادت امام زمان (ع) بصورت غیر عادی باشد تا دستگاه حاکمه بر این مطلب واقف نشود.حکیمه خاتون همواره مراقب نرجس بود تا آنکه نزدیک طلوع فجر نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری، اثر حمل بر آن بانوی مطهر آشکار شد.امام حسن عسکری (ع) به حکیمه خاتون فرمودند: بر نرجس سوره قدر را بخوان! او این سوره مبارکه را بر نرجس تلاوت کرد که ناگهان نرجس از دیدگان حکیمه غایب شد، گویا پرده‌ای بین آنان حائل شده است.حکیمه سراسیمه خدمت امام آمد.امام فرمودند: عمه! برگرد که او را در جای خودش خواهی دید! حکیمه در حالی نزد نرجس بازگشت که امام عصر، مهدی موعود (عج) متولد شده بودند و در حالی که رو به قبله به سجده افتاده بودند، انگشتان سبابه را به طرف آسمان بلند کرده، می‌فرمودند: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریك له و أن جدی رسول الله و أن أبی أمیرالمؤمنین وصی رسول الله؟.سپس نام همه امامان را بردند تا به خودشان رسیدند و فرمودند: اللهم أنجز لی وعدی و أتمم لی أمری و ثبت وطأتی و املأ الأرض بی عدلا و قسطا: خداوندا وعده‌ای را که به من داده‌ای عملی ساز و امر مرا کامل کن و قدمهایم را استوار گردان و زمین را به وسیله من از قسط و عدل پر کن! حکیمه خاتون، کودك را نزد امام عسکری (ع) آورد.حصرت به نوزاد فرمود: ای فرزند! به قدرت الهی سخن بگو! حضرت صاحب الأمر (ع) پس از استعاذه، این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: بسم الله الرحمن الرحیم، و نرید أن نمن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثین ، ونمکن

لهم فی الأرض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما کانوا یحذرون: و اراده حتمی ما بر این تعلق گرفته است که بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم ، و به آنان در زمین مکنت و اقتدار بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریان آن دو، از جانب آن مردم مستضعف، چیزی را که همواره از آن پرهیز داشتند بنمایانیم.(سوره قصص، آیات ۵ و ۶) این آیات در مورد حضرت موسی (ع) نازل شده است و بر طبق راویات، از مصادیق بارز آن، حضرت حجت (ع) می‌باشند.سخن گفتن یک طفل، گرچه مسأله‌ای غریب و دور از ذهن است، ولی عقلا ممکن است، همان طور که در قرآن کریم به تکلم حضرت عیسی (ع) در گهواره اشاره شده است.لذا به صرف نادر بودن، یا استبعاد ذهن از چنین اتفاقاتی، نمی‌توان آن را انکار کرد.حضرت حجت (ع)، موعود نبی خاتم و ائمه هدی (علیهم‌السلام) بودند و در روایات بسیاری که از آن بزرگواران نقل شده است، به امام زمان (ع) و غیبت و قیام آن حضرت اشاره شده است.

غیبت صغری و کبری

حضرت، پیش از قیام، دارای دو مرحله از غیبت می‌باشند: مرحله اول که به غیبت صغری موسوم است، از زمان ولادت آن حضرت تا سال ۳۲۹ هجری طول کشید.چنانکه پنج سال ابتدای عمر حضرت، مقارن با بقیه ایام امامت پدر گرامیشان، امام حسن عسکری (ع) بود.در این مدت، تنها عده قلیلی از شیعیان، موفق به دیدار آن مولود مبارک شدند و امام حسن عسکری (ع) به آنان اعلام می‌نمودند که پس از ایشان، امامت و سرپرستی شیعه به عهده این فرزند خواهد بود.پس از شهادت امام عسکری (ع)، برادر آن حضرت که جعفر نام داشت بر در خانه نشست و مردم نزد او می‌آمدند.از یک طرف به او تسلیت می گفتند و از طرفی مقام امامت را به او تبریک می گفتند.جعفر، مردی فاسق، شرابخوار و اهل عیش و طرب بود.کسانی که در جستجوی امام حقیقی بودند، بخوبی می‌دانستند که او در ادعای خودش راستگو نیست (از این رو در تاریخ از وی به عنوان جعفر کذاب یاد شده است).هنگامی که تصمیم گرفتند بر جنازه مطهر امام عسکری (ع) نماز گزارند، جعفر حاضر شد و خواست بر حضرت نماز بخواند.در این لحظه، مردم متوجه کودکی گندمگون، با موهایی پیچیده و چهره‌ای نورانی شدند که نزد جعفر آمد، ردای او را کشید و گفت: ای عمو! کناربرو که من سزاوارتر از تو هستم که بر پدرم نماز بخوانم! جعفر رنگش متغیر شد و با بهت و حیرت کنار رفت.آن کودک که کسی جز امام زمان (عج) نبود، بر پدر نماز خواند و آن بدن مطهر را نزدیک امام هادی (ع) دفن نمود.جعفر کذاب واقعه را به معتمد- خلیفه عباسی- گزارش داد و همچنین به او گفت که چگونه خدمتکاری از جانب آن کودک، نزد مردمی که در جستجوی امام زمان خود پس از امام عسکری (ع) بودند آمد همچنین از اموری خبر داد که جز عالم به غیب، کسی قادر به آن نیست.معتمد خدمتکاران خود را نزد کنیز امام عسکری (ع) فرستاد تا کودک را بیابند، ولی صیقل، کنیز امام عسکری (ع)، وجود چنین کودکی را تکذیب کرد و پس از آن نیز نتوانستند حضرت مهدی (ع) را بیابند.پس از شهادت حضرت امام عسکری (ع)، و در ادامه دوران غیبت صغری، امام عصر- ارواحنا فداه- به منظور ارتباط یافتن با مردم، افرادی را به سمت نیابت خود معرفی کردند، که به آنان نواب خاص حضرت مهدی (ع) گویند.سؤالات مردم و وجوهات شرعیه به وسیله این افراد به حضرت می‌رسید و در سایر موارد نیز این عده، واسطه بین مردم و امام بودند.این افراد عبارت بودند از: عثمان بن سعید عمروی، محمد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح، ابوالحسن، علی بن محمد بن سمری.وی آخرین نایب خاص امام زمان (ع) بود و هنگامی که وفات وی فرا رسید، او توقیع شریفی را که از ناحیه مقدسه امام زمان (ع) به او رسیده بود به مردم نشان داد که در آن چنین نوشته شده بود: بسم الله الرحمن الرحیم، ای علی بن محمد سمری! خداوند به برادرانت در مورد مصیبت تو اجر عظیم عنایت کند! تو به فاصله شش روز پس از این خواهی مرد.پس کارهایت را جمع کن و آماده باش و به کسی به عنوان جانشین پس از خودت وصیت نکن، زیرا زمان غیبت تامه رسیده است و پس از آن، جز به اذن خداوند - تعالی ذکره - ظهور نخواهد بود.ظهور، پس از آن است که مدتی طولانی بگذرد و

دلها را قساوت فرا گیرد و زمین پر از ستم و جور شود و پس از آن، بعضی از شیعیان من خواهند آمد که ادعای مشاهده مرا خواهند کرد پیش از آنکه سفیانی خروج کند و صیحه (مراد صیحه آسمانی است که از علائم ظهور است) شنیده شود.چنین کسی دروغگو و مفتری است و لاـ حول و لاـ قوهٔ إلاـ بـالله العلی العظیم.علی بن محمـد سـمری در سال ۳۲۹ وفات کرد.بـدین ترتیب، دوران غیبت صغری (اگر از زمـان ولادت امام زمان (ع) که سال ۲۵۵ هجری است حساب کنیم) ۷۴ سال طول کشـید.گر چه پس از پایان یافتن دوران غیبت صـغری، امام زمان (ع) کسـی را به عنوان واسـطه بین خود و مردم مشـخص نفرمودند، ولی آنان را به حال خود نیز رها ننمودند و با ذکر اوصافی، مردم را به کسانی که دارای این ویژگیها باشـند ارجاع دادند.حضرت به آنان دستور دادند در پیشامدهای مختلفی که برای آنان رخ خواهد داد، به این عده (که نواب عام نامیده بودند) رجوع کنند.یکی از شیعیان به نام اسحق بن یعقوب به وسیله نایب دوم آن حضرت، یعنی محمد بن عثمان بن سعید (رض) نامه‌ای مشتمل بر سؤالاتی چند خدمت ولی عصر (ع) نوشت.از جمله نکاتی که امام عصر (عج) در توقیع شریف و پاسخ آن نامه مرقوم فرموده بودند، چنین بود: و أما الحوادث الواقعهٔ فارجعوا فیها إلی رواهٔ حدیثنا فإنهم حجتی علیکم و أنا حجهٔ الله علیهم: اما در مورد حوادث و پیشامدهایی که برای شـما شـیعیان اتفاق می‌افتد، به کسانی که احادیث ما اهل بیت را روایت می‌کننـد مراجعه نمایید، زیرا من آنان را بر شـما حجت قرار دادم و خود نیز حجت خدا بر آنان هسـتم! (پس راویان احادیث، با واسـطه آن حضـرت، حجت خدا بر مردم می‌باشند) (وسائل الشیعه، کتاب القضا و الشهادات به نقـل از کتاب اکمال الـدین و اتمام النعمه).در روایت دیگری از امام محمـد باقر (ع) چنین آمـده است: انظروا إلی من کان منکم قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف أحکامنا فارضوا به حکما فإنی قد جعلته علیکم حاکما فإذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فإنمـا بحکم الله اسـتخف و علینـا رد و الراد علینـا راد علی الله و هو فی حـد الشـرک بـالله: نگـاه کنیـد به کسـانی در بین خودتان که احـادیث مـا را روایت می‌کننـد و در حرام و حلاـل ما می‌اندیشـند، و احکام صادره از طرف ما را می‌شناسـند و به حکم آنان تن در دهیـد، زیرا من آنـان را حاکم بر شـما قرار می‌دهم.پس اگر بر طبق حکم ما، حکم کردنـد و کسـی از آنها نپـذیرفت، حکم خـدا را سبک شـمرده و سـخن ما را رد کرده است و کسـی که ما را رد کنـد، خـدا را رد کرده است و این عمل، در حد شـرک به خداوند است.در روایت دیگری نیز آمـده است: مجـاری الأـمور بیـد العلماء بالله الأمناء علی حلاله و حرامه: جریان امور تنها به دست عالمان الهی، که بر حلال و حرام خداوند امین هستند، می‌باشد.در روایت دیگری نیز چنین آمده است: فأما من کان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لـدینه مخالفـا علی هواه مطیعـا لأـمر مولاه فللعوام أن یقلـدوه: هر فقیهی که نفس خودش را صـیانت می‌کنـد، دینش را حفظ می‌نمایـد و مخالف هوای نفس و مطیع امر مولایش می‌باشـد، بر عوام مردم لازم است که از او تقلید کنند (سـفینهٔ البحار، ج ۲، ماده (فقه).بر طبق این روایات، شـیعیان در زمان غیبت موظفند به فقها و علمای وارسـته و دانشـمند که در مقام عمل، مطیع فرامین الهی و مخالف هوای نفس می‌باشـند مراجعه کننـد و آنان را مرجع حل و فصل امور خود قرار دهنـد.همچنین در این روایات به سـرشاری و غنـای مکتب اهـل بیت (علیهم‌السـلام) اشاره شـده است، زیرا مرجع مردم را راویان حـدیث معرفی نموده و دسـتور داده است که در حـوادث و پیشامـدها به آنـان رجوع شـود و طـبیعی است که عنوان الحوادث الواقعه: پیشامـدها (که در روایـات وجود دارد) شـامل مسائل جدیـد و مسـتحدثه نیز می‌شود، و این می‌رساند که احادیث اهل بیت از چنان محتوایی برخوردار است که پاسـخگوی تمامی مسائل در تمامی زمانها و مکانهاست.وظایف شـیعیان در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) - بسیار بجا و شایسته است که در این مجال به تکالیف شـیعه در زمان غیبت آن حضـرت اشاره‌ای کنیم.بـدان امید که با انجام دادن آنها در زمره شـیعیان حقیقی و پیروان راسـتین آن حضــرت قرار گیریـم: ۱- می‌تـوان گفـت انتظـار امـام زمـان (عــج) از مـا در زمـان غیبـت، همـان اسـت کـه سـایر ائمه (علیهم‌الســلام) در زمــان حیاتشــان، از مردم می‌خواســتند و آن، پرهیز از حرام و انجــام دادن واجبــات، (در درجــه اول) و ترک مکروهـات و انجـام دادن مسـتحبات (در مرحله بعـدی) است و ما در زمان غیبت، مکلف به شـناخت دسـتورات الهی و عمل به آنها هستیم.۲- عصـر غیبت، عصـر فتنه‌هـا و زمـان مشـتبه شـدن حق با باطل است، زیرا مکاتب مختلف و اعتقادات گوناگون و تئوریهای

متنوعی عرضه می‌شود که هر کدام مدعی بیان راه سعادت هستند و چه بسا در هر کدام از آنها، حق و باطل با هم آمیخته شده باشد و این، موجب گمراهی کسانی که از تأمل و تعمق کافی بی‌بهره هستند خواهد شد.شیعه باید در چنین زمانی در تحکیم اعتقادات صحیح و فهم هر چه بیشتر معارف الهی تلاش کند و عقل و جان خود را از مفاهیم حیات‌بخش اسلام سیراب سازد و درپی پاسخ به شبهات و سؤالات باشد تا همواره راه حق را طی کند و در دام بیراهه نیفتد.بخصوص در چنین زمانی، علما و دانشمندان موظفند در فهم صحیح و دقیق شبهات و نظریاتی که عرضه می‌شود، سعی بلیغ نمایند، حق را از باطل جدا سازند و با حربه مجادله احسن و برهان و استدلال، تهاجم فکری دشمنان اسلام را دفع نمایند.در همین راستا دعاهایی از جانب ائمه‌هدی (علیهم‌السلام) رسیده است که مضمون آنها چیزی جز طلب هدایت در زمان غیبت و استقامت در دین نیست.امام صادق (ع) به شخصی که عبدالله بن سنان نام داشت، فرمودند: بزودی شبهات بر شما هجوم می‌آورند و شما بدون نشانه و راهنما خواهید ماند و هیچ کس از آن شبهات نجات نمی‌یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند.عبدالله بن سنان عرض کرد: آن دعا چیست؟ حضرت فرمودند: می گویی: یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک: خداوندا، ای رحمان، ای رحیم، ای زیر و رو کننده دلها! دل مرا بر دین خودت استوار گردان! عبدالله عرض کرد: یا مقلب القلوب و الأبصار ثبت قلبی علی دینک (و کلمه الأبصار را اضافه کرد).امام صادق (ع) فرمودند: گرچه خداوند زیر و رو کننده قلبها و دیده‌هاست، ولی دعا را آن طوری که من گفتم بخوان! همچنین آن حضرت به زراة بن اعین، صحابی وفادار خویش، فرمودند: اگر زمان غیبت قائم را درک کردی، این دعا را بخوان: اللهم عرفنی نفسک فإنک إن لم تعرفنی نفسک لم أعرف نبیک.اللهم عرفنی رسولک فانک إن لم تعرفنی رسولک لم أعرف حجتک.اللهم عرفنی حجتک فإنک إن لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی: خداوندا خودت را به من بشناسان، زیرا اگر خودت را به من معرفی نکنی، پیامبرت را نخواهم شناخت! خداوندا رسولت را به من بشناسان، زیرا اگر او را به من نشناسانی، حجتت را نخواهم شناخت! خداوندا حجتت را به من معرفی کن، زیرا اگر او را به من نشناسانی، در دینم گمراه خواهم شد! ۳- یکی از مهترین تکالیف در زمان غیبت حضرت مهدی (عج)، انتظار فرج آن بزرگوار است، بلکه انتظار فرج (به معنی واقعی کلمه)، مهمترین وظیفه و بالاترین عبادات است و در این زمینه از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج: برترین اعمال امتم، انتظار فرج است. تفسیر کردن انتظار به سکوت و دست روی دست گذاشتن و پذیرش وضع موجود، تفسیری غلط است.انتظار، یعنی آمادگی و مهیا شدن برای دیدار کسی که منتظر او هستیم.منتظر واقعی، عاشق دیدار است و چنین کسی نه تنها در عمل، بلکه در زوایا و خفایای دلش نیز چیزی برخلاف خواسته معشوق نمی‌طلبد و آیا پذیرش ظلم و زیر بار ستم رفتن و احیانا کمک به اشاعه آن، خواسته ولی عصر (عج) است؟ ۴- از امور دیگری که بر ما لازم است، دعا برای تعجیل در فرج آن بزرگوار و صدقه برای سلامت آن وجود شریف و بجا آوردن حج به نیابت آن حضرت، هنگام تشرف برای مراسم حج می‌باشد.علائم ظهور منجی عالم بشریت، مهدی موعود (عج) - از امور قطعی و مسلم نزد شیعه و تمامی فرق مسلمین، ظهور شخصی است که بشریت را از تباهی و فساد نجات می‌دهد و دین الهی را احیا می‌کند و زمین را از ظلم و ستمی که آن را فرا گرفته است، پاک می‌نماید.شیعیان معتقدند این شخص، همان امام دوازدهم، حضرت مهدی موعود (عج) است که پس از تولد، از دیدگان مردم غایب شده است، ولی سایر فرق مسلمین معتقدند این شخص هنوز متولد نشده است و بعضی از آنها، افراد دیگری را مهدی می‌دانند و بسیاری نیز بناحق دعوی مهدویت کرده‌اند و موجب انحراف افکار بسیاری از ناآگاهان شده‌اند.در زمینه ظهور مهدی موعود (ع) و اینکه آن حضرت چه مشخصاتی دارد، روایاتی از رسول اکرم (ص) به دست ما رسیده است که آن حضرت نام تمامی جانشینان خود را برده‌اند و دوازدهمین آنها را زداینده ظلم و ستم از روی زمین و احیاکننده قسط و عدل دانسته‌اند.از پیامبر گرامی (ص) روایت شده است که فرمودند: اگر از عمر جهان بجز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن یک روز را طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیتم را که همنام من است برانگیزد.او زمین را از عدالت پر خواهد کرد، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد.بدین ترتیب ظهور منجی

عالم بشریت، یک سنت قطعی و تخلف‌ناپذیر الهی است که به هیچ وجه از آن عدول نخواهد شد و تاریخ بشریت، سرانجام چنین روزی را خواهد دید.در روایات دیگری نیز، علائم بسیاری برای ظهور امام عصر (عج) ذکر شده است.بعضی از این علائم، حتمی و تخلف‌ناپذیر هستند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- خروج دجال: دجال را نام فردی دانسته‌اند با خصوصیات جسمانی خاصی که بر طبق روایات، ادعای ربوبیت می‌کند و گروهی را به سمت خود می‌کشد.وی در نبرد با امام زمان (ع) به هلاکت خواهد رسید.بعضی از محققین بر این عقیده‌اند که دجال نام چنین شخصی نیست (و یا لا اقل چنین احتمال داده می‌شود)، زیرا این کلمه در لغت عرب به معنی بسیار دروغگو می‌باشد و در انجیل، کتاب مقدس مسیحیان، نیز ذکر شده است.داستان خروج او بین این فرقه نیز شایع بوده است.لذا احتمال قوی داده می‌شود که مراد از دجال آن است که پیش از ظهور صاحب الامر (ع) شخصی پیدا خواهد شد که در دروغگویی و فریبکاری سرآمد باشد و با ادعاهای پوچش گروهی را گمراه کند و چنین جلوه دهد که مقدرات مردم و حیات آنان به دست اوست و بعید نیست بسیاری از اوصاف غیر عادی جسمانی که در مورد او گفته شده است، صحیح نباشد، لیکن مدرک قابل اعتمادی برای آنها یافت نمی‌شود.۲- خروج سفیانی:نام سفیانی، عثمان بن عنبسه است.او از سرزمین مکه و شام خروج خواهد کرد و سرزمینهای دمشق، اردن، فلسطین، حمص و قنسرین را تصرف خواهد نمود.سپاهیانش به کشتار مردم و غارت شهرهایی از جمله نجف و مدینه دست می‌زنند و در حالی که به طرف مکه رهسپارند، در سرزمینی به نام بیداء، زمین، آنان را در خود فرو خواهد برد و خود سفیانی نیز دستگیر خواهد شد و به قتل خواهد رسید.۳- قتل نفس زکیه:او پسری است از اولاد آل محمد (علیهم‌السلام) که در مسجدالحرام، بین رکن و مقام به شهادت خواهد رسید.۴- خروج سید حسنی:فردی با این عنوان قیام خواهد نمود و تا کوفه پیش خواهد رفت.ظالمان را از سر راه برخواهد داشت و در آنجا با ولی عصر (ع) بیعت خواهد کرد.۵- صیحه آسمانی: بر طبق روایات، هنگام ظهور حضرت مهدی (ع)، از شرق آسمان صدایی شنیده می‌شود که حضرت را با نسب شریفش به مردم معرفی می‌کند و مردم را به بیعت با ایشان فرا می‌خواند.این صدا را همه مردم خواهند شنید و بسیاری به طرف مکه، محل خروج آن حضرت، خواهند رفت.پس از ساعاتی، از غرب آسمان ندای دیگری از جانب شیطان شنیده خواهد شد که مردم را به طرف سفیانی فرا می‌خواند و منافقان از آن ندا اطاعت می‌کنند.این دو ندای آسمانی، پس از ظهور شنیده خواهند شد.پیش از ظهور نیز در شب ۲۳ ماه مبارک رمضان دو ندای دیگری به گوش خواهد رسید: یک ندا از جانب جبرئیل امین، که می‌گوید: حق با علی و شیعیان او است.و ندای دیگر که می‌گوید: حق با عثمان و شیعیان او است.از دیگر علائم ظهور، پر شدن زمین از ظلم و فساد و تباهی است.بطوری که رذایل اخلاقی، نیک و فضائل انسانی و کرامات اخلاقی، زشت و ناپسند شمرده می‌شوند، از دین جز اسمی و رسمی باقی نخواهد ماند، نماز ضایع خواهد شد و پرداخت زکات، ورشکستگی و ضرر تلقی خواهد شد، فرزندان نسبت به پدر و مادر خود بی‌احترامی و جفا می‌کنند، بزرگان مورد احترام کوچکترها قرار نگرفته و کوچکترها نیز مورد رحم و عطوفت بزرگترها قرار نمی‌گیرند، زنان، خود را برای غیر شوهران زینت می‌کنند و.علائم دیگری نیز ذکر شده است که خواننده می‌تواند برای اطلاع از آنها به کتب مربوط مراجعه نماید.بسیاری از این علائم، اموری غریب و نامأنوس هستند و در صورتی که روایات مربوطه به آنها از نظر علمی قابل اعتماد باشد، صرف نامأنوس بودن، دلیل بر بطلان آنها نخواهد بود، زیرا امور خارق‌العاده و معجزات انبیا و ائمه (علیهم‌السلام)، همه از همین قبیل هستند.همان طوری که مسأله طول عمر آن حضرت نیز (که مورد اشکال بعضی قرار گرفته است)، صرفا امری غریب و ناآشناست، ولی از نظر علمی و عقلی محال نیست و نمونه‌های طول عمر، حتی در قرآن نیز ذکر شده است، همچون حضرت نوح پیامبر (ع) که بر طبق نص قرآن در سوره عنکبوت، تنها مدت تبلیغ آن حضرت در میان قومش ۹۵۰ سال طول کشید.در روایات، کیفیت زندگانی مردم پس از ظهور و نحوه حکومت آن حضرت تا حدود زیادی مشخص شده است.بر طبق این روایات، امنیت اجتماعی سراسر زمین را فرا خواهد گرفت، فقر و فلاکت بطور کامل ریشه‌کن خواهد شد، بگونه‌ای که کسی پیدا نخواهد شد که مستحق دریافت زکات باشد.سراسر زمین سرسبز و خرم

گشته و معادن و برکات زمین در دسترس افراد بشر قرار خواهد گرفت، عدالت و قسط، بطور دقیق و با موشکافی و وسواس مراعات خواهد شد، ناودانهایی که در کوچه‌ها قرار دارند مسدود خواهند گشت، پیاده‌ها از محل پیاده رو و سواره‌ها از وسط خیابانها عبور خواهند کرد، در امر راه‌سازی دقت خواهد شد بطوری که مساجدی که در سر راهها قرار گرفته و ایجاد مزاحمت کند، تحریب خواهد شد، نیز جلو آمدگی ساختمانها تخریب خواهد شد؛ در امر کشاورزی دقت خواهد شد و.در عصر ظهور، عقول مردم کامل می‌گردد و سطح معلومات عمومی بالامی‌رود، بطوری که زنها در خانه خویش از عهده قضاوت برمی‌آیند، علوم بسیاری که بشر به آنها دسترسی نداشته، به برکت ظهور آن حضرت گسترش می‌یابد و.در این باره به سه حدیث اشاره می‌کنیم: ۱- حضرت ابو جعفر، امام باقر (ع) فرمودند: وقتی قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌نهد، عقول پراکنده آنان را متمرکز می‌کند، به سوی یک هدف متوجه می‌سازد و اخلاق پسندیده را در آنان به حد کمال می‌رساند (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶).۲- علی بن ابی‌طالب (ع) فرمود: وقتی قائم ما قیام کند، عداوت و دشمنی از قلوب مردم ریشه کن می‌شود و امنیت عمومی برقرار می‌گردد (بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۱۶).۳- حضرت باقر (ع) قرمودند: وقتی قائم ما قیام کند، تمام اموال عمومی و معادن و ذخائر زمین در اختیارش قرار خواهد گرفت (بحار الانوار، ج ۵۲: ۳۵۱).شکی نیست که هدف رسالت تمامی انبیای الهی، احیای قسط و عدل و اجرای احکام الهی و گسترش آنها بوده است و ائمه ما نیز هدفی جز این نداشته‌اند، ولی متأسفانه هیچ یک در مقیاس جهانی به این هدف مقدس دست نیافتند و انجام این مهم به عهده آخرین حجت الهی است و به دست آن بزرگوار عملی خواهد شد.از این رو می‌توان گفت آن حضرت، چشم و چراغ تمامی انبیای عظام و قیامش آرزوی بزرگ تمامی آنها است و عملی‌کننده خواسته همه سفرای الهی و پیشوایان برحق در طول تاریخ بشریت و نهایت آرزوی آن وارستگان می‌باشد.به امید آن روز!

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».